



A Comparative Study of Compensation for Physical Injuries in Iranian and England's Law

Adel Sarikhani¹, Mahdi Sharifi²

¹ Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran
(Corresponding Author). adelsari@yahoo.com

² PhD Graduate of Al-Mustafa Al-Alamiyah Society. msharifi313@yahoo.com

Abstract

In many countries today, specific frameworks have been established to recognize physical injuries and provide compensation for bodily harm. These frameworks, in line with criminal policy objectives, aim to deter future harm and ensure compensation. This paper employs an analytical and descriptive approach to examine this issue within the criminal justice systems of Iran and England, exploring the conceptual differences in the recognition of bodily injury and the provision of compensation in both legal systems. The present research reveals that in the Iranian legal system, the compensation for bodily injuries is based on the concepts of "diyyah", "arsh", and "government", while the English legal system evaluates and calculates compensation based on tariff systems, consideration of the function of body parts, the lost enjoyment of life, and the valuation of human life and the quality of life years. Both legal systems strive to realistically calculate and compensate for bodily injuries.

Keywords: Body Part, Physical Injury, Harm, Arsh, Government.

Received: 2021/01/19 ; Revised: 2022/01/08 ; Accepted: 2022/04/03 ; Published online: 2023/09/21

How To Cite: Sarikhani, Adel; Sharifi, Mahdi (2023). A Comparative Study of Compensation for Physical Injuries in Iranian and England's Law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(2), 77-96. doi.org/10.22091/CSIW.2022.6493.1999

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



بررسی تطبیقی جبران خسارت صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان

عادل ساریخانی^۱، مهدی شریفی^۲

^۱ استاد گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول). adelsari@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته دکتری جامعه‌المصطفی العالمیه. Msharififi313@yahoo.com

چکیده

امروزه در بسیاری از کشورها برای شناخت صدمات بدنی و جبران خسارتهای وارد بر اعضای بدن طرح‌های خاصی ساماندهی و به تصویب رسیده و در راستای سیاست‌های جنایی، اهداف بازدارندگی را در کنار جبران خسارت، مد نظر قرار می‌دهند. در نوشتار حاضر با روش تحلیلی، توصیفی به بررسی این موضوع در نظام کیفری حقوق ایران و انگلستان پرداخته که چه تفاوت‌هایی در مفهوم شناختی مصادیق اعضا و پرداخت خسارت صدمات بدنی در حقوق هر دو کشور وجود دارد. تحقیق حاضر نشان از آن دارد که در نظام حقوق ایران نظام جبران صدمات بدنی بر مبنای دیه، ارش و حکومت بنا گردیده و در نظام حقوقی انگلستان با استفاده از روش‌های نظام تعرفه و نظام توجه به کارکرد اعضا، لذت خوشی و زندگی از دست رفته افراد مورد ارزیابی و محاسبه قرار می‌گیرد و با ارزش‌گذاری جان آدمی و ارزیابی کیفیت سال‌های زندگی افراد به محاسبه خسارات بدنی می‌پردازند و هر دو نظام حقوقی در تلاش هستند تا بتوانند به شیوه واقعی صدمات بدنی را محاسبه و جبران نمایند.

کلیدواژه‌ها: عضو، صدمه بدنی، جراحت، ارش، حکومت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
 استاد: ساریخانی، عادل؛ شریفی، مهدی (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی جبران خسارت صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۲)، ۷۷-۹۶. doi.org/10.22091/CSIW.2022.6493.1999
 ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی



مقدمه

هدف حقوق در یک جمله چیزی جز برقراری عدالت و جبران خسارت و زیان وارده بر افراد جامعه انسانی نیست و تمام کشورها برای دستیابی به این هدف مهم، قوانین و مقرراتی را وضع کرده‌اند. از آنجا که جسم آدمی از اهمیت بالایی برخوردار است، صدمه زنده به آن باید علاوه بر مجازات، خسارت مالی تعیین شده را نیز تامین کند. بنابراین، مهمترین دغدغه‌ی قانونگذاران، وضع قوانین و مقرراتی در این خصوص است؛ زیرا وضع چنین مقررات قاطعی از یک طرف سبب مجازات مرتکب شده و باعث میشود این خسارات به نحو چشمگیری در جامعه کاهش یابد. از طرف دیگر منجر به جبران خسارت زیان‌دیده و رعایت عدالت در سطح جامعه میشود. در حقوق ایران و حقوق کشورهایی که به حقوق نوشته در دنیا معروف هستند، قوانین متفاوت و دقیقی در زمینه‌ی خسارت و جبران آن وجود دارد.

نوشتار حاضر در صدد آن است با توجه به اختلافات معنایی و مصداقی که در مورد صدمات بدنی وجود دارد بارویکرد تطبیقی مصادیق صدمات بدنی را احصا کرده و تفاوت تعاریف واژگانی صدمات بدنی در قوانین هر دو کشور را تبیین و در نهایت به شیوه‌های جبران خسارت صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان اشاره نماید. در این راستا موضوع به روش توصیفی تحلیلی در نظام‌های حقوق کیفری ایران و انگلستان مورد مطالعه قرار گرفته که در نهایت با بررسی و احصای این موارد، مقایسه‌ای در شیوه‌های جبران خسارت در هر دو نظام حقوقی به عمل آمده و قضاوت در مورد اینکه کدام شیوه پرداخت خسارت، به عدالت نزدیکتر است برعهده خواننده نهاده شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به جایگاه ویژه و اصلی عضو در تعیین صدمات بدنی و با توجه به معین نبودن مفهوم دقیق عضو می‌تواند در مفهوم‌شناسی این واژه دقت مضاعفی صورت گیرد.

۱-۱. عضو

عضو (با ضم و کسر عین) از ریشه «ع ض و» گرفته شده و بر تجزیه شی دلالت دارد. (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۹۹، ج ۴: ۳۴۷) اعضا بعضو عضوا: اذا فرقه یعنی آن چیز را جزء جزء کرد. (زبیدی، بی‌تا: ۶۰)

لغویون متقدم لفظ عضو را این صورت معنا کرده‌اند: العضو: کل عظم وافر بلحمه (عبد الرحمان، بی‌تا، ج ۲: ۵۱۱؛ احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۹۹، ج ۳: ۲۳۶؛ قلعه‌جی، ۱۴۰۸: ۳۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۸) یعنی هر استخوان بزرگی که مشتمل بر گوشت است و جمع آن اعضا است و برخی نیز گفته‌اند: کل لحم وافر بعظمه (الزبیدی، بی‌تا: ۶۰) یعنی هر گوشت زیادی که مشتمل بر استخوان است. اما لغویون معاصر معنای عضو را وسعت داده و گفته‌اند: جزئی از مجموع جسم مثل دست و پا و

گوش و در حزب یا گروه و مانند آن مشترک است و جمع آن اعضا می‌باشد. (مجمع اللغة العربیه بالقاهره، بی‌تا، ج ۲: ۶۰۷)

۱-۱-۱. عضو از منظر قانون

در قانون مجازات اسلامی عضو در مقابل نفس به کار رفته است، فقها نیز در بحث از موضوع جنایت، جنایت را به جنایت بر نفس و جنایت بر اطراف تقسیم نموده‌اند، منظور از اطراف اعضای بدن می‌باشد. (ماده ۳۸۶ به بعد) در جنایت و صدمات بر اعضا باید بیان کرد که شامل صدماتی می‌شود که بر اعضا و جوارح انسان و یا منافع آن وارد می‌گردد. نتیجه این صدمات هر چه باشد منتهی به فوت مجنی علیه نمی‌گردد و در صورتی که منجر به چنین نتیجه‌ای شود جنایت بر نفس مطرح می‌شود نه جنایت بر اعضا. (زراعت، ۱۳۸۰: ۲۸۸)

صدمه و جنایت بر اطراف اصطلاح دیگری است که در کتب فقهی در مقابل جنایت بر نفس استعمال گردیده است، در اصطلاح غیر از تجاوز بر نفس و جراحت و تجاوز بر منافع اعضا، هر تجاوزی که به اعضا بدن آدمی وارد شود جنایت بر اطراف نامیده می‌شود مانند شکستن دست و بریدن عضو. (عاملی، ۱۴۱۹: ۴۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹: ۲۵۴)

از منظر قانونی می‌توان گفت عضو در قانون مجازات اسلامی در مقابل نفس قرار دارد و به استناد مواد قانونی شامل مصادیق ذیل است: نخست، عضو در مفهوم اخص آن یعنی بخشی از بافت‌های بدن انسان مانند دست و گوش، قلب، اعصاب، کلیه، ناخن، پوست و مو. دوم، حواس عضو که شامل بینایی، شنوایی، بویایی و چشایی است. سوم منافع عضو مانند انزال، قدرت تولید مثل (آقای‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

۲-۱. صدمه

آسیب و ضربتی است که به چیزی وارد می‌شود (معین، ۱۳۷۵: ۲۱۴۲) در حقوق انگلستان اصطلاح (injury) در لغت به معنای آسیب و صدمه می‌باشد این اصطلاح به معنای هر اشتباه، خطا، تقصیر یا خسارتی است که نسبت به دیگری و یا اینکه نسبت به شخصیت، حق، شهرت یا اموال او ایجاد می‌شود (campbell black, 1968: 1643) این اصطلاح اصولاً در مواردی به کار می‌رود که صدمه‌ای به تمامیت جسمانی انسان یا اموال او وارد شده باشد و از آنجا که شامل شهرت و... نیز می‌شود معلوم می‌گردد انواع صدمات مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. به طور کلی این اصطلاح برای توضیح خطایی و نقض کردن می‌باشد مثلاً (civil injury) یعنی صدمه‌ای که می‌تواند در نتیجه نقض قرارداد یا جرم باشد و جبران آن نیز می‌تواند با اقامه دعوا باشد. (campbell black, 1968: 925) اصطلاحات (damage, loss, injury) نیز به طور مترادف به کار می‌روند. در حقوق انگلستان اصطلاح (bodily) به معنای جسمی و بدنی می‌باشد و لذا منصرف است به هر چیزی که غیر جسمی است می‌باشد مثلاً شامل صدمه ذهنی و روحی و روانی

نمی‌شود. همچنین اصطلاح (physical) به معنای جسمانی و بدنی است و با آن صدمات احساسی و هیجانی متمایز می‌شوند (campbell black, 1968: 932).

در حقوق انگلستان عبارت (personal injury) یعنی آسیب یا جراحت و صدمه‌ای که نسبت به انسان اتفاق می‌افتد، از قبیل بریدن، جدا کردن، کوبیدن کبودشدن، شکستن عضو. همانطور که پیداست این عبارت فقط برای صدماتی که بر روی انسان واقع می‌شود به کار می‌رود در حالی که کلمات قبلی هر صدمه‌ای را که نسبت به انسان و حیوان رخ می‌داد را شامل می‌شدند. این نوع از صدمات با خساراتی که نسبت به اموال یا شهرت اتفاق می‌افتد از لحاظ ماهیت متفاوت می‌باشند. این عبارت در بیشتر مواقع در ارتباط با دعای ناشی از تقصیر و شبه جرم ناشی از بی احتیاطی به کار می‌رود. بعنوان نمونه در این مورد در انگلستان فاجعه ثالومید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میل به مطالبه و جبران خسارت را برانگیخت. کمیسیون پیرسون (کمیسیون سلطنتی مسئولیت مدنی و جبران خسارت صدمات بدنی) در دعای ناشی از بی احتیاطی در راندگی تاسیس شد. (Royal Commission on Civil Liability and Compensation for Personal Injury, 1978: 76). اما در قوانین موضوعه نیز در ارتباط با تعرض به حقوق شخصی در این مفهوم می‌تواند شامل تهمت، توهین، مزاحه، فریب و آسیب‌های روحی و روانی هم باشد.

اگرچه (physical injury) و (bodily injury) دو عبارتی هستند که برای آسیب و صدمه بدنی به کار می‌روند و شامل ترس و استرس ذهنی و احساسی نمی‌شوند اما نکته مهم این است که این دو اصطلاح مترادف نمی‌باشند ولی می‌توانند به عنوان معادل استفاده شوند (campbell black, 1968: 221).

بدین سان معلوم می‌شود که صدمات بدنی یا خسارت جسمی در حقوق ایران و انگلستان به آسیب‌هایی گفته می‌شود که به تمامیت جسمی انسان وارد می‌گردد. به علاوه هر گونه فعل یا ترک فعلی که منتهی به اذیت رفتن کارکرد طبیعی یک عضو از بدن شود خواه به طور کلی یا جزئی به نوعی که دیگر کارکرد طبیعی آن عضو صورت نگیرد صدمه بدنی است. (آهنین جگر، ۱۳۸۷: ۲۱) در مجموعه قوانین کیفری انگلستان از صدمه‌هایی که موجب خطر مهم برای سلامتی بدن شود و یا اینکه آثاری که بر جای می‌گذارد مهلک و کشنده باشد و یا اینکه منجر به نقص یا قطع عضو شود نام برده شده است. به طور کلی در مجموعه قوانین کیفری انگلستان تعریف موسعی از صدمات بدنی به عمل آمده است.

همانطور که گفته شد منظور از صدمه بدنی، هرگونه آسیب و صدمه‌ای می‌باشد که بر تمامیت جسمی و بدنی فرد وارد می‌شود. (باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۴) ولی می‌توان تعریف کامل‌تری ارائه داد که شامل آسیب‌ها و صدمات روانی (عصبی) نیز گردد چرا که هدف جبران خسارتها، برقراری عدالت و حتی الامکان اعاده وضع اشخاص زیان‌دیده به حال سابق می‌باشد، در حقوق ایران ارزیابی خسارت‌های درد و رنج هیچگاه مورد مطالعه‌ی جدی و مستقل حقوقدانان واقع نشده و اینگونه خسارتها همواره به طور کلی و به عنوان

بخشی از خسارتهای معنوی در کتب حقوقی مطرح گردیده است، لذا به نظر می‌رسد این تعریف مناسب باشد که گفته شود صدمات بدنی آسیب‌هایی هستند که به تمامیت جسمی یا شرایط عصبی انسان وارد می‌شوند.

۳-۱. بدن

به معنای جسم می‌باشد و جسم انسان در مقابل روح انسان قرار می‌گیرد. بنابراین صدمه بدنی به معنای آسیب جسمانی به بدن می‌باشد که معادل (bodily injury) در حقوق انگلستان می‌باشد. (پورفرهاد، ۱۳۸۲: ۵)

۴-۱. ارش

ارش در لغت به دو معنای دیه جراحات و دیه جراحی که میزان آن معین نیست آمده است. در مورد ارش بیان شده که «الارش دیه الجراحه» (فرایدی، ۱۴۰۹: ۲۸۴) و «الارش دیه الجراحات» (جوهری، ۱۴۰۷: ۹۹۵) بنابراین بر دیه نفس ارش اطلاق نمی‌شود. در دو تعریف فوق به دیه جراحات ارش گفته شده اعم از آن که میزان آن در شرع تعیین شده باشد یا تعیین نشده باشد. در لسان العرب معنای لغوی ارش را این چنین بیان شده: «الارش من الجراحات ما لیس له قدر معلوم و قبل هو دیه الجراحه» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۶۳) اگر سخن این منظور صحیح باشد، آنگاه معنای لغوی و اصطلاحی ارش یکسان خواهد بود، اما به نظر می‌رسد چنین نیست و حق با خلیل و جوهری و دیگر فرهنگ نویسانی است که ارش را در لغت به معنای دیه جراحات اعم از معین و غیر معین می‌دانند و اگر نگوییم ارش در لغت به معنای مزبور است، این معنا (دیه جراحات اعم از آنکه معین باشد یا نباشد) حداقل یکی از معانی ارش خواهد بود، نه اینکه ارش در لغت فقط و فقط به معنای دیه جراحات غیر معین باشد.

ارش در مصطلح فقهای امامیه غالباً به معنای دیه جنایت بر مادیات نفس است که مقدار آن در شرع تعیین نشده است (حلی، ۱۴۱۰: ۴۰۳ و ۶۰۱؛ خویی، ۱۳۷۲: ۲۱۲). البته این در صورتی است که جنایت موجب نقصان شود و الا اگر موجب نقصان نشود ارش لازم نیست؛ مثل اینکه کسی، جنایتی را نسبت به زنی که بر خلاف معمول دارای موی صورت است انجام دهد و موهای صورت او را از بین ببرد. در این موارد حاکم به صلاحدید خود دعوا را فیصله می‌دهد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹: ۵۹۳) فیصله دادن ممکن است با پرداخت مالی باشد که به آن ارش گفته نمی‌شود که جایگاه حکومت در پرداخت خسارات می‌باشد و ممکن است صرفاً با تعزیر جانی همراه باشد و ممکن است به شیوه دیگر باشد (احمد ادریس، ۱۳۷۷: ۳۲).

۲. شیوه‌های جبران صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان

واژه دیه اعضا، خاص حقوق اسلام است، و در کنار دیه در حقوق اسلام دو منبع ارش و حکومت نیز برای

پرداخت خسارت اعضای بدن وجود دارد. ویژگی مهمی که همه دیه را بدان می‌شناسند ویژگی از قبل تعیین شده بودن آن است. در حقیقت هر وقت اصطلاح دیه را به کار می‌بریم منظور «پرداخت مبلغ از قبل مشخص شده در برابر صدمات بدنی» می‌باشد؛ به عبارت دیگر در برابر هر صدمه بدنی باید جبران خسارتی صورت بگیرد و خود جبران خسارت نمی‌تواند ماهیت‌های متفاوت داشته باشد چه تحت قواعد آن مسئولیت جبران خسارت باشد یا دارای مقررات و قواعد خاص. (احمد ادریس، ۱۳۷۷: ۴۳)

قطع هر عضوی از اعضای انسان مستوجب پرداخت دیه یا چیزی است که در حکم دیه است. در حقوق ایران خسارت اعضای انسان به دو صورت پرداخت می‌شود؛ یک دسته، اعضایی که مقدار پرداختی خاصی در شرع برای خسارت وارد بر آنها وجود ندارد و دسته دیگر اعضایی که برای خسارت وارد بر آنها مقدار معینی پیش‌بینی شده است. مشهور آن است که برای اعضای دسته اول، ارش تعیین می‌شود که حکومت نیز نامیده می‌شود. و خسارت دسته دوم بر مبنای دیه معین می‌شود (خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۶۶) برابر تعریف مذکور در ماده (۴۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از ارش به عنوان پرداخت خسارت نام می‌برد که عبارت است از دیه غیر مقدر که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آنرا تعیین می‌کند. این تعریف بر گرفته از تعریف‌هایی است که از سوی فقها ارائه گردیده است و تقریباً همه این تعریف‌ها، شکل یکسانی دارند. (نجفی، ۱۳۷۴: ۲۳، ۱۶۸؛ خویی، ۱۳۹۶: ۳۵۲)

در کتاب دیات اشاره شده معنی اصلی ارش و حکومت تفاوت دارد و اطلاق هر کدام به معنای دیگری اطلاقی مسامحی است. معنی اصلی ارش خون بهای عضو است در صورتی که بتوان آن را به طور نسبتاً دقیق و مضبوط بر اساس معیار دیه تعیین کرد. مثلاً اگر عضوی دیه آن پانصد دینار است روشن است که نصف آن دیه اش ۲۵۰ دینار است و ثلث آن حدود ۱۶۷ و هکذا. اما حکومت مقداری است که حاکم (قاضی) با نظر کارشناس به طور تخمینی تعیین می‌کند و نمی‌توان مقدار آن را به طور دقیق تعیین کرد. (گرچی، ۱۳۸۰: ۱۶) ولی در کشور انگلستان برای پرداخت خسارات بدنی در قرن هفتم میلادی قانونی به نام شاه «ساکسونی» تصویب شد در این مجموعه قوانین نظام کاملی برای جبران خسارت و پرداخت در برابر صدماتی که به فرد وارد می‌شود وجود داشت و هدف از وجود قواعد مطرح شده در آن حفظ خون بها بود. ورود نظام خسارت اعضا در جزایر بریتانیا که در آن مردم به جای قطع اعضای بدن و خونخواهی به گرفتن خسارت مالی رضایت می‌دادند؛ موجب تصویب قانونی به نام «Aetherlbrth» شد که در آن عوض‌هایی برای ضرر بدنی تنظیم می‌کرد و برای هر عضو از اعضای بدن مبلغ مشخصی قرار می‌داد؛ (عبد المنعم بدر، ۱۹۵۴: ۴۹۸) همچنین در کنار این قانون فهرستی وجود داشت که شامل تمام جبران‌های مالی متعلق به صدمات بدنی می‌شد، در آن در برابر آسیب به موی سر و یا ناخن و... خسارت

مالی مشخص قرار داشت یا برای ناخن انگشت بزرگ سه برابر ناخن سایر انگشتان مبلغ معین کرده بود. این قانون اختصاص به صدمات بدنی داشت و در آن بیش از ۴۰ مورد آسیب مشخص شده که در برابر هر یک مبلغی مشخص وجود داشت. در قانون مذکور تنها در برابر صدمات بدنی که منجر به مرگ نمی شدند اما در صورتی که کسی به قتل می رسید یا صدمه منجر به فوت او می شد قانون به اختیار آنها نهاده بود که در مورد مبلغ آن به مصالحه بپردازند، بنابراین آنها می توانستند به هر مبلغی و به هر عوضی باهم مصالحه نمایند و مبلغی که در نهایت مشخص می شد در حالات مختلف متفاوت بود، به دلیل آنکه جامعه انگلستان آن روز از طبقات متفاوتی تشکیل شده بود. بعد از مصالحه مال تعیین شده به سه قسمت تقسیم می شد و علاوه بر خانواده مقتول، پادشاه و فنودال هم در آن سهمی داشتند. به طور کلی با توجه به تاریخچه حقوق انگلستان می توان گفت که جبرانی که در حقوق انگلستان در مقابل صدمات بدنی صورت می گرفت به نوعی شبیه دیه حقوق اسلامی محسوب می شد. این پرداخت و جبران خسارت ها به نص قانونی خاصی تکیه ندارد که البته در مورد قتل استثنا می باشد یعنی در سایر موارد با اتکای به عرف بوده است. (عوض، ۱۳۷۷: ۷۱)

در حقوق انگلستان می توان نهادی مشابه دیه در اسلام یافت ولی این موضوع تنها در تاریخ حقوق این کشور وجود دارد؛ به عبارت دیگر در حالی که دیه قبل از اسلام وجود داشت و در صدر اسلام تأیید و هنوز هم باقی است تحولاتی در آن مشاهده نمی شود، و دیه برحسب تورم به قیمت یوم الحاق محاسبه می شود. در حقوق انگلستان این وضع دچار تحولات گسترده ای شده است. در سابق در این نظام چون مبلغ از قبل مشخص شده بود، در موردی که صدمه بدنی وارد می شد دادرس حکم می داد که خواننده باید فلان مبلغ را بپردازد که به همین دلیل به این شیوه ارزیابی و جبران پرداخت خسارت عمومی گفته می شد. از آنجا که در تمام موارد خسارت وارد شده می بایست به اندازه یکسان و برای افراد با شخصیت های گوناگون صورت می گرفت و در هر حال با وجود ملاک ها و عوامل موثر، حکم به پرداخت خسارت یکسان سخت می نمود تصمیم بر آن گرفته شد که نه به طور کلی بلکه برای هر مورد خاص ارزیابی جداگانه صورت بپذیرد تا به راحتی بتوان عواملی که واقعا تأثیر گذارند را در حکم و مبلغ تأثیر داد در این مورد بیش از همه چیز، ویژگی هایی که در خود فرد زیان دیده وجود داشت موثر بودند. به نظر حقوقدانان این کشور ارزیابی موردی بهتر می تواند به جبران خسارت بپردازد. (عبد المنعم بدر، ۱۹۵۴: ۴۷۶)

در حقوق انگلستان برای جبران خسارت اصولاً اصطلاح (compensation) به کار می رود و اگر چه اصطلاحی عام می باشد ولی اصولاً برای جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی استفاده می شود. این کلمه تنها جبران خسارتهای نقدی را در برمیگیرد و شامل جبرانهای غیر نقدی نمی شود. در این نظام حقوقی نیز مثل حقوق ما و هر نظام دیگری اصل بر جبران خسارت به صورت نقدی می باشد. بنابراین وقتی کسی عملی انجام دهد که سبب هرگونه صدمه بدنی شود مکلف به جبران خسارت

می‌شود. جبران زیان از طریق پرداخت خسارت نقدی می‌باشد که با موفقیت در دعوای ناشی از تخلف شبه جرمی و یا نقض قرارداد قابل حصول خواهد بود. (عبد المنعم بدر، ۱۹۵۴: ۴۷۶) برای نمونه در سال ۱۹۸۵ دادگاه استیناف در دعوای Burnett. V Croft، هزار لیبره برای درد و رنج بدنی و از دست دادن تعادل فیزیکی زیان‌دیده، تعیین نمود که در موارد مشابه به عنوان یک مبنای غیررسمی در تعیین خسارات مورد توجه قرار می‌گیرد و همچنین در رابطه با قطع پا یا سایر اعضا مبلغی بین ۳۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ لیبره برای درد و رنج و محرومیت از عضو مزبور و برای صدمات شدیدی چون فلج شدن بدن تا ۱۲۵۰۰۰ لیبره حکم صادر می‌شود و هر چند سال بر حسب تغییر شرایط اقتصادی تغییر می‌یابد (white V.Estate of Constantine, 1989: 276, House croft V.Burnett, 1986: 206)

در نظام حقوقی انگلستان می‌بایست خسارت جانی وارده را با توجه به اوضاع و احوال شخصی و موقعیت مصدوم، هزینه‌ی درمان، اوضاع و احوال حرفه‌ای مصدوم، مدت بیکاری یا از کارافتادگی و درآمد او و افراد واجب‌النفعه‌ی تحت تکفل او برآورد کرد. این خسارتها در این نظام حقوقی ماهیتی حقوقی دارد. به طور مثال یک بیوه‌ی مرد ۳۳ ساله که در ماجرای در هواپیما کشته شد بیشتر از ۱۴ میلیون دلار از شرکت هواپیمایی گرفت. با این شیوه که درآمد سالانه‌اش را ضرب در ۴۰ یا ۵۰ سالی که قرار بود زندگی کند، کردند. (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

در علت تغییر رویکرد حقوق انگلستان به ارزیابی موردی باید گفت که دلایل متعددی در این باره موثر بوده‌اند از جمله تاثیر شخصیت و موقعیت زیان‌دیده و جبران کامل خسارات. افراد ویژگی‌ها و موقعیت‌های گوناگونی دارند. براین اساس شیوه پرداخت یکسان تا حدی به این وضعیت توجه نشده ولی دردیۀ اسلامی عقیده بر آن است که همه انسان‌ها برابرند و موقعیت افراد نباید در میزان خسارتی که می‌گیرند متفاوت باشد چون خداوند انسانها را به طور برابر و یکسان آفریده و کسی را بر دیگری برتری نداده است. در کشورهای غربی این وضع دقیقاً برعکس شده و معتقدند که شخصیت افراد، وضعیت اجتماعی آنان، موقعیت اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر در زمان جبران خسارت باید مورد توجه قرار گیرند چون این عوامل باعث تغییر وضعیت از یک فرد به فرد دیگر خواهد شد. چگونه میتوان فرد بی‌سواد را با کسی که منصب مهمی در اداره کشور دارد را یکسان دانست و به هر دو به یک اندازه خسارت پرداخت کرد، چگونه می‌توان کسی که نان خود و خانواده‌اش را از طریق کارگری به دست می‌آورد را با کارمند اداره که تنها وظیفه جواب دادن به تلفن را دارد و اکنون یک دست از هر دو قطع شده را برابر دانست؟ (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

آیا این عدالت و حق است و آیا نباید برای آن کارگر به نسبت بیشتری جبران خسارت صورت گیرد تا هر چه بیشتر اعاده وضع به حال سابق صورت گیرد و اختلال به وجود آمده در زندگی او تا مقدار بیشتری رفع گردد. بدین ترتیب به هر اندازه‌ای که اینگونه عوامل را در هنگام ارزیابی بیشتر دخالت دهیم به نحو

کامل تری برای اواحقاق حق شده است و گر نه وجود مبلغ ثابت نه اینکه باعث شود برای بعضی بیشتر جبران خسارت کرده است بلکه باعث می شود برای عده خاصی جبران کمتری صورت گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴۲؛ باریکلو، ۱۳۸۲: ۹۸)

همین اشکالات باعث شد حقوق انگلستان از شیوه سابق برگردد و به دنبال راهی باشد که هر چه خسارات بیشتر جبران گردد در واقع به دنبال اجرای کامل و بهتراصل جبران کامل خسارات بروند به این ترتیب کم کم شاخص مبلغ معین در تمام خسارات را کنار گذاشته و به شیوه ارزیابی موردی روی آوردند. در حقوق انگلستان برای جبران خسارت صدمات بدنی مبلغ از پیش تعیین شده ای وجود ندارد تا بر فرض همان حداقل یا حداکثر جبران خسارت در دادگاه مورد حکم قرار گیرد بلکه هر شخصی خسارت ببیند به دادگاه مراجعه کرده و خواستار جبران خسارت خود می شود، این ارزیابی خسارات به طور موردی انجام می گیرد و قطعاً عوامل مختلفی بر آن اثر می گذارند مثل موقعیت مصدوم و به همین دلیل خسارت صدمه یکسان از یک شخص به شخص دیگر متفاوت است و به علاوه بر جبران خسارات مازاد بر چیزی یا مبلغی هم پیش نمی آید. (عبد المنعم بدر، ۱۹۵۴: ۴۸۵)

لازم به ذکر است که در کشورهای آنگلو ساکسون آنچه در حال حاضر اتفاق می افتد به این صورت است که هر موقع صدمه بدنی به کسی وارد میشود، دادگاه مبلغی را مورد حکم قرار می دهد. این مبلغ با توجه به مقدار صدمه ای که به جسم فرد وارد شده، هزینه های درمان، از کار افتادگی، درآمدهای حال و آینده و نیز افراد واجب النفقه او تعیین شده و زیان زننده محکوم به پرداخت آن می شود. به عبارت دیگر در حال حاضر هیچ موردی وجود ندارد که میزان خسارت پرداختی قانون از قبل معین شده باشد. تنها موردی را که می توان یافت که در آن مبلغی به عنوان خسارت پرداختی تعیین شده است، این است که بر طبق قانون باید مبلغ ۷۵۰۰ پوند برای فقدان همسر به زن یا شوهر او و در صورتی که مجرد بوده به پدر و مادر او پرداخت می شود. (عبد المنعم بدر، ۱۹۵۴: ۳۴۶)

مطلبی که در مورد این مبلغ معین باید گفته شود این است که اگرچه از این جهت شباهتی کوچک به دیه اسلامی دارد اما تفاوت بزرگی نیز با آن دارد و آن اینکه این مبلغ مذکور تنها به پدر و مادر فرد مجرد و یا همسر فرد متاهل پرداخت می شود، در حالی که فرد مجرد میتواند دارای خواهر و برادر باشد و حتی با وجود همسر از این مبلغ حتی به پدر و مادر هم داده نخواهد شد. در حالیکه دیه در طبقه اول ارث، همزمان بین پدر، مادر، همسر و فرزندان تقسیم می شود و هیچ یک حاجب مطلق برای دیگری نیست. (چایلندز، ۱۳۸۸: ۸۸)

۳. انواع صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان

در فقه ضررهایی که از سوی یک فرد، علیه فرد دیگری وارد می شود را به دو دسته ضررهای مالی و بدنی تقسیم کرده اند. صدمات بدنی در فقه اهمیت زیادی دارند تا جایی که مباحث گوناگونی به آن اختصاص

داده شده، از جمله بحث حدود و قصاص نفس و عضو؛ این ناشی از اصل حرمت و کرامت انسان می باشد. در حقوق جدید، نویسندگان خسارات و ضررها را به مادی، معنوی و بدنی تقسیم کرده اند درحقیقت به علت اهمیتی که صدمات بدنی دارند حقوق دانان آنها را به طور جداگانه بررسی می نمایند. (شفیعی سروستانی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۲۰)

نکته ای که لازم است ذکر شود این است که ماهیت صدمه بدنی در همه نظامهای حقوقی یکسان است، و نقص عضو و جراحت و سایر موارد همه به یک صورت به روی انسان واقع می شوند و همه نیز مسئولیت آفرین هستند، اگر چه ممکن است هر کشور با توجه به حقوق خود و تفاسیر مختلف تقسیم بندی های متفاوتی را داشته باشد. مثلاً در یک نظام حقوقی صدمه بدنی را نوعی خسارت معنوی و در نظام حقوقی دیگر خسارت معنوی را هم در کنار سایر مصادیق صدمات بدنی مورد بررسی قرار داده و آن را مصداق صدمه بدنی بدانند ولی در هر حال اصل صدمات بدنی همان ماهیت را دارد. (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۲۸)

بیان این مطلب نیز در این جا لازم است که در حقوق انگلستان اصطلاح صدمه بدنی (personal injury) به کار می رود. این اصطلاح عام می باشد و نه تنها آسیب هایی که به اعضا می رسد را شامل می شود بلکه فوت که سخت ترین نوع صدمه است و نیز آسیب های روانی و همچنین بیماریها را در بر می گیرد (Catherine and Quinn, 2009: 397). بند (۶) ماده قانون شروط ناعادلانه قرارداد سال ۱۹۷۷ هم صدمه بدنی را شامل فوت، آسیب رسانیدن به بدن و آسیب به وضعیت روحی روانی می داند. به همین دلیل در دعوای مطرح شده در سال ۱۹۹۷ (Brown, 1999: 217) خواننده بیش از ۶ ماه بدون مکالمه به نامزد سابق خود تلفن میزد و همچنین اعمالی انجام می داد تا وضعیت روانی او را تحت تاثیر قرار دهد مثل تعقیب کردن او تا محل کار و یا فرستادن نامه های تنفرآمیز؛ دادگاه رهای ای داد که صدمات بدنی مهلک شامل صدمات روانی هم می شود و می تواند بدون این که خشونتی نسبت به بدن مصدوم اعم از مستقیم یا غیر مستقیم انجام شود، رخ دهد. (BROWN, 1999: 219) که می توان بیان داشت صدمات بدنی شامل موارد ذیل می باشد:

۱-۳. جراحت

جرح به حالت یا نوعی از صدمه بدنی گفته میشود که منجر به فوت زیان دیده نشده است، به همین دلیل آن را زخمی در داخل یا ظاهر بدن دانسته اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۱۴) به علاوه این خسارات سوای اینکه ممکن است آثار ماندگاری روی بدن انسان بگذارند یا نه، قابل معالجه میباشند. جرحی که به روی بدن انسان واقع میشود اصولاً یا ناشی از حوادث رانندگی و یا ناشی از منازعات می باشد (بابایی، ۱۳۸۹: ۷۹). در حقوق انگلستان مطابق مواد (۱۸) و (۲۰) قانون جرایم علیه اشخاص می باشد (Offence against the person act 1861) جرح می تواند به صورت عمد یا غیرعمد اتفاق بیفتد. جراحت

غیرعمد تنها در صورتی قابل انتساب به فرد است که منجر به شکافته شدن پوست شود. کیود کردن، سوزانیدن و یا خراشیدن پوست ایراد جرح به این مفهوم نمی باشد. به علاوه شکستن استخوان هم در صورتی که همراه با شکافته شدن پوست نباشد این چنین نخواهد بود، یعنی برای جراحات وجود خونریزی لازم است. به همین دلیل در یکی از پرونده های مطروحه که خواننده با شلیک یک گلوله بادی به بدن شاکی منجر به خونریزی داخلی شده بود درحالی که پوست او را پاره نکرده بود، دادگاه حکم کرد که خواننده مرتکب این جرم نشده است. (چاپلدز، ۱۳۸۸: ۹۷)

۲-۳. نقص عضو بدن و سلب قدرت کار کردن

نقص عضو بر اثر نزاع، حوادث رانندگی یا کار بوجود می آید که می تواند به صورت محسوس و غیر محسوس به روی انسان اتفاق بیفتد. نقص عضو به صورت محسوس مثل قطع شدن دست در یک تصادف رانندگی یا قطع کردن انگشت دیگری بصورت عمد یا غیرعمد. (محمود صالحی، ۱۳۷۲: ۱۴۳)

در صورتی که نقص عضو به صورتی باشد که فرد برای همیشه نتواند از آن استفاده نماید منجر به ازکارافتادگی وی شده است. ازکارافتادگی به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می شود. ازکارافتادگی مطلق بدین معنا می باشد که فرد به طور کلی توانایی خود را در ادامه حرفه خود از دست بدهد و نسبی، به نسبت می باشد یعنی تا اندازه ای توان پرداختن به شغل خود را ندارد. اینکه ازکارافتادگی مطلق یا نسبی باشد بر حسب تشخیص کارشناس است که با انجام معاینات و بررسی های پزشکی میزان و درجه ای را که فرد ناقص یا ناتوان شده را معین کند. کاهش توانایی و سلب قدرت کار کردن به دو صورت رخ میدهد، نخست این که به صورت فوری رخ می دهند؛ بدین صورت ممکن با وجود صدمه بدنی، بعضی توانایی های فرد در مدتی که از نظر عرف فوری هستند کاهش پیدا کرده یا به کلی از بین بروند و قدرت کار کردن از او سلب شود. دوم این که این احتمال هست که صدمه وارده فوراً توانایی های فرد را از بین نمی برد و او را ازکارافتاده نمی کند بلکه این اتفاق در بلند مدت رخ میدهد، در این موارد نیز باید به طور متناسب جبران خسارت صورت بگیرد، (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۵۸؛ باریکلو، ۱۳۸۹: ۱۱۲) مثلاً ماده (۳۲) قانون کار مقرر می دارد: اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش توانایی های جسمی و فکری ناشی از کار کارگر باشد... کارفرما مکلف است، نسبت به هر سال سابقه خدمت، معادل دو ماه آخرین حقوق به وی پرداخت نماید. این که مصدوم تا چه اندازه هزینه های درمان بپردازد و یا تا چه اندازه تحت درمان باشد بستگی به نوع صدمه ای دارد که به جسم او وارد شده است و از سوی دیگر این که تا چه اندازه و در چه مدتی ازکارافتاده شود بستگی به کار و حرفه او دارد. بنابراین کسی که کار او بستگی بیشتری به استفاده از دست و پا داشته باشد با شکستگی دست و پا یقیناً ضرر اقتصادی بیشتری خواهد دید؛ پس کارگر و کارمند یک دفتر به یک اندازه از شکستگی عضو متضرر نخواهند شد و چه بسا کارمندی که کار او تنها

امضای اوراق و کار با رایانه است از فردای همان روز گچ گرفتگی پا بتواند در محل کار خود حاضر شود. تفاوتی که شاید بتوان بین جراحات و نقص عضو بیان کرد این است که جرح اصولاً به صورت بریدگیها و خراش هایی است که در روی بدن انسان پیدا می شود و حتی اگر به صورت شکستگی استخوان ظاهر شوند بهبود می پذیرند، به عبارت دیگر منظور این است که اگرچه صدمه اتفاق افتاده، ولی عضو همچنان باقی است، در حالی که در نقص عضو باعث از بین رفتن عضو میشود. این از بین رفتن به دو صورت است، یعنی یا به صورت قطع و جدا شدن آن، مثل اینکه دست کسی قطع شود و یا اینکه یا بدین صورت است که قطع نشده است ولی به صورت فلج شده باقی است. (باریکلو، ۱۳۸۹: ۱۴۳)

اما در حقوق انگلستان این خسارات بر اعضا و نقص و از بین رفتن و یا از کار افتادگی به صورت تخمینی تعیین میشوند. به عنوان مثال، در دعوی «تارمن علیه ویلتشایر» حکم به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰ پوند به نفع خانمی داده شده که جنینش را از دست داده و به طور دائم به علت یک خطای پزشکی نابارور شده بود. این صدمه‌ی جسمانی تقسیم به موارد جزئی شده و مبلغ هر کدام از موارد بر اساس رویه‌ی قبلی تعیین میگردد. البته این خسارات بر اساس افزایش تورم افزایش پیدا میکند. (Hepple, 1991: 221)

۳-۳. صدمه به زیبایی

این صدمه را می توان زیر مجموعه نقص عضو بررسی کرد زیرا فرقی نمیکند که عضو ناقص شده صورت، دست یا... باشد، اما به دلیل اهمیتی که زیبایی انسان در زندگی او دارد معمولاً به طور جداگانه بررسی می شود.

اصولاً عقیده بر این است که صدمه به زیبایی نوعی خسارت معنوی می باشد، این سخن نسبتاً درستی است اما در هر حال خسارت معنوی صرف نمی باشد و همانطور که گفته شد اصولاً باید نوعی نقص عضو به شمار آید (محمود صالحی، ۱۳۷۰: ۸۴) که در حقوق ایران بر مبنای جراحات یا نقص عضو تلقی کرده و در حقوق انگلستان بر مبنای جراحات بر صورت که منتهی به نقص زیبایی شده که هم بر مبنای اثر جراحات و هم بر مبنای تاثیر روانی و شوک فراوان مورد حکم قرار می گیرد و مجموع این دو در تعیین خسارت ملاک خواهد بود. (Hunt, 2000: 204)

۳-۴. صدمه به منافع عضو

بر طبق حقوق انگلستان با صدمه به منفعت عضو قطعاً صدمه بدنی به او وارد شده است؛ زیرا منظور ما از صدمه بدنی تنها صدمه محسوس نمی باشد و صدمه به جسم به صورت غیر محسوس هم یکی از مصادیق آن میباشد. از جمله مصادیق آن میتوان به زوال عقل، حس شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی اشاره کرد. (Hepple, 1991: 243) اما در حقوق ایران این صدمات در فقه با عنوان زوال منافع اعضاء مورد بررسی قرار گرفته اند. (محمود صالحی، ۱۳۷۰: ۶۰)

۵-۳. فوت

در مورد قتل و فوت نکته‌ای که باید در ابتدا دانست این است که این دو اصطلاح تا حدی در اینکه نوعی صدمه بدنی محسوب شوند مشکوک می‌باشند زیرا اصولاً منظور از صدمه بدنی این می‌باشد که بعد از ورود نقص، تلف و... به روی بدن انسان، فرد زنده بماند و چون با فوت انسان، جسم او نیز از بین می‌رود تا حدی مشکل است که آن را صدمه بدنی محسوب کرد. که با نظر قانونگذار در حقوق ایران موافق می‌باشد و لازم به ذکر است که این بحث با موردی که فرد به دلیلی مثل حادثه رانندگی یا ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی دچار صدمه بدنی شده و بعد از مدتی که می‌تواند کوتاه یا طولانی باشد فوت کرده متفاوت است، زیرا در این مورد از فاصله وقوع صدمه تا زمان فوت شکی نیست که به نوعی صدمه بدنی اتفاق افتاده است که خسارتهای ناشی از آن نیز قابل مطالبه هستند. اما در این مورد و موردی که فوت در همان لحظه حادثه اتفاق بیفتد به نظر می‌رسد به سختی بتوان فوت را نوعی صدمه بدنی محسوب کرد (باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۰۳؛ عبدالحی، ۱۳۸۹: ۹۷). اما در قانون انگلستان به قتل به عنوان یک جرم بدنی نگریده می‌شود و کسی که به او صدمه بدنی منتهی به فوت وارد شده اختیار دارد که خون‌خواهی کند یا اینکه خسارت مالی بگیرد. (Cooke, 1999: 77)

۶-۳. صدمه روانی و شوک عصبی

در حقوق انگلستان صرف صدمات روحی، قابل جبران نیست و جبران خسارت را تنها در شکست‌های عصبی و اختلالات شدید روانی مجاز میدانند. شرایط عصبی می‌تواند بدون هیچ آسیب مادی جسمی، باعث زوال عقل، شوک‌های عصبی و آسیب‌های روانی این چنین می‌شوند. در حقوق انگلستان صدمات عصبی مورد توجه قرار گرفته و جبران خسارت صورت می‌گیرد بنابراین هر صدمه‌ی روحی و عصبی یا غم و اندوه عادی، ضرر قابل جبران به حساب نمی‌آید و تنها لطمات روحی و عصبی قابل جبران هستند که از سنگینی ویژه‌ای برخوردار باشند (Cooke, 1999: 46-47) به نحوی که از نظر روانپزشکی بر اساس اسناد و مدارک ارائه شده در حد بیماری روحی و روانی به شمار آید در موارد بسیار متعددی تاکید شده است که صدمه بدنی واقعی شامل صدمات روانی هم میشود. صدمه بدنی واقعی صدمه بدنی موقت یا دائمی میباشد که آنقدر جزئی نباشد که کاملاً بی‌اهمیت باشد. در این رابطه در دعوی دولت که در سال ۱۹۹۸ علیه ایرلند و برستو مطرح شد، حکم داده شد که بیماری روانی بارز را میتوان به منزله صدمه بدنی دانست. (چاپلندز، ۱۳۸۸: ۹۳)

در رابطه با جبران خسارت معنوی بستگان مصدوم در حقوق انگلستان، میتوان به عنوان نمونه به پرونده‌ی Beaumont. v Fallon رجوع کرد. که در یک تصادف رانندگی متوفی به شدت دچار سوختگی شده و یک ماه بعد از آن فوت نمود. دادگاه در خصوص خسارت معنوی ناشی از درد و رنج و از دست دادن تعادل در طول یک ماه حیات او، مبلغ ۱۰۰۰۰ لیره، حکم به نفع وراث قانونی وی داد. (سلطانی‌نژاد،

۱۳۸۰: ۲۸۸، ۱۹۰ (Hunt, 2000) اما در حقوق ایران ارزیابی خسارتهای درد و رنج و صدمات روانی و اینگونه خسارتهای همواره به طور کلی و به عنوان بخشی از خسارتهای معنوی قابلیت تعیین خسارت را دارند. (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

نتیجه گیری

پرداخت خون بها در حقوق کیفری اسلام مستند به اصول و قواعدی از جمله قاعده اتلاف، اصل نظم عمومی، اصل اعتداء و قاعده نفی ضرر می باشد و در نحوه ارزیابی صدمات بدنی برای جبران خسارات وارده بر اعضا و منافع و جراحتهای حاصله، دیه (مقدار معین از طرف شرع) یا ارش و حکومت (مقداری که توسط قاضی با نظر خبره تعیین می شود) مقرر شده و به این صورت است که برای هر صدمه درصد خاصی از دیه کامل قرار داده شده است و برای صدماتی که بصورت معین بیان نشده بصورت ارش پرداخت می گردد و مواردی نیز بصورت حکومت از طریق نظر کارشناسان اعمال می شود.

در حقوق انگلستان دو نظریه یا نظام برای جبران خسارت ناشی از صدمه بدنی وجود دارد. نخست نظام تعرفه و دوم نظام توجه به کارکرد اعضا، در حقوق این کشور مبلغ ثابتی برای هیچ نوع صدمه بدنی وجود ندارد و به عبارت دیگر به جای وجود مبلغ ثابت و از پیش تعیین شده، جبران خسارت با ارزیابی موردی صورت می گیرد. در ارزیابی موردی، دادرس خسارات ناشی از صدمات بدنی، ضررهای مالی ناشی از صدمه بدنی و خسارات معنوی را جمع نموده و به یک باره حکم به پرداخت آن در حق زیان دیده می دهد.

در حقوق انگلیس فهرست جدا تهیه شده است که در آن صدمات بدنی را در چند دسته قرار داده اند، مثلاً سر و گردن انسان با تمام اجزایشان در یک گروه قرار داده شده اند، در مرحله بعد برای هر یک از این اجزا مبلغی قرار داده شده است که مانند ارش و حکومت خسارات توسط کارشناسان تعیین می شود.

در مقایسه مقدار خسارتی که در حقوق ایران و انگلیس حکم به جبران آن داده می شود و عوامل موثر در آن باید گفت چون دیه مبلغ از پیش تعیین شده می باشد در موارد صدمات یکسان، مبلغ یکسان پرداخت می شود و در مورد مازاد بر دیه با استناد به قاعده لاضرر و لاضرار، قاعده تسبیب و اتلاف، بنای عقلا مبنی بر قبح ظلم و موادی از قانون مسئولیت مدنی، اصل جبران خسارات از مجاری محاکم حقوقی و تقدیم دادخواست قابلیت دریافت دارد (هرچند که در این مورد اختلافاتی وجود دارد که به مجالی دیگر موکول میشود) و مانند حقوق کیفری انگلستان موقعیت اجتماعی، شغل، شخصیت و سایر عوامل این چنینی در آن تاثیری ندارند؛ به عبارت دیگر در حقوق ایران و اسلام که ناظر به تساوی و کرامت حقوق انسانی و اصل عدالت است تنها صدمه و مقدار صدمه بدنی موثر است و جایگاه اجتماعی، شغلی و... دخیل در پرداخت خسارت نمی باشد حال آنکه در حقوق انگلستان علاوه بر صدمه و شدت آن سایر عوامل هم موثر هستند.

فهرست منابع

- ابراهیم مصطفی، احمد الزیات، حامد عبدالقادر، محمد النجار، بی تا، المعجم الوسیط، قاهره، مجمع اللغة العربیه دارالدعوه، چ ۴.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ق، لسان العرب (پانزده جلدی)؛ بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چ ۳، ج ۱۵.
- احمد ادریس، عوض، ۱۳۷۷ش، دیه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲.
- احمد بن فارس بن زکریا (ابن فارس)، ابو الحسین، ۱۴۰۴ق، معجم مقانیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۳ و ۴.
- اس اسنل، ریچارد، ۱۳۹۲ش، آناتومی بالینی، مترجم حسن زاده، غلامرضا، تهران، نشر ارجمند، بی جا.
- آقای نیا، حسین، ۱۳۸۷ش، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (جنايات)، تهران، نشر میزان، چ ۴.
- آهین جگر، حسین، ۱۳۸۷ش، بررسی مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمانی به فرزندان در حقوق ایران و انگلستان، قم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم.
- بابائی، ایرج، ۱۳۸۹ش، جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، تهران، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، ش ۲۸.
- باریکلو، علیرضا، ۱۳۸۲ش، جبران خسارت بدنی در فقه اسلامی، مشهد، مجله مطالعات اسلامی، ش ۶۱.
- _____، ۱۳۸۹ش، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چ ۲.
- پور فرهاد، مسعود، ۱۳۸۲ش، کالبدشناسی انسانی، تبریز، نشر اختر، چ ۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ج ۱۷.
- جعفری، احمد بن عبدالله، ۱۴۲۲ق، دیه ما فی جوف الانسان من الاعضاء، بیروت، مجله العدل، ش ۱۰.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین.
- چایلدر، پنی، ۱۳۸۸ش، گزیده رویه قضایی انگلستان در امور کیفری، ترجمه آوا واحدی نوایی، تهران، میزان، چ ۱.
- حسینی، محمد، مسئولیت مدنی خسارات ناشی از تصادفات، برگرفته از وبلاگ:
www.mohassani.persianlog.ir/1392/02/18
- خویی، سیدابوالقاسم، ۱۳۹۶ش، مبانی تکملة المنهاج، قم، نشر احیاء آثار خویی، چ ۲.
- زبیدی، محمد بن عبدالرزاق، بی تا، تاج العروس، قاهره، دارالهدایه، ج ۳۹.
- زراعت، عباس، ۱۳۸۰ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، ققنوس.
- سلطانی نژاد، هدایت ا...، ۱۳۸۰ش، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، تهران، انتشارات نور الثقلین، چ ۱.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ستایش، محمد کاظم و قیاسی، جلال الدین، ۱۳۷۶ش، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۰ش، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، انتشارات سمت، چ ۲.
- عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۹ق، مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ ۱.
- عبد الرحمان، محمود، بی تا، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، قاهره، دار الفضیله.

- عبدالمنعم بدر، محمد، ۱۹۵۴م، مبادئ القانون الروماني، القاهرة، دارالكتب العربی.
- عبداللهی، اسماعیل، ۱۳۸۹ش، درسهایی از فلسفه کیفری (درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان)، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی، ۱۴۲۰ق، المصباح المنیر، بیروت، المكتبة العلمية.
- قلعه جی، محمد رواس، قنایی، حامد صادق، ۱۴۰۸ق، معجم لغة الفقهاء، بی‌جا، دارالفنانش، چ ۲.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰ش، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴، ج ۱۰.
- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۸۱ش، دیات، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱.
- محمود صالحی، جانعلی، ۱۳۷۲ش، حقوق زیان‌دیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۷۰ش، حقوق زیان‌دیدگان در حوادث رانندگی و نظام تأمین خسارتهای، تهران: فصلنامه بیمه مرکزی ایران، سال ششم، ش ۴.
- مصباح اردکانی، سید فخرالدین، ۱۳۹۱ش، کالبدشناسی عمومی، شیراز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شیراز.
- معین، محمد، ۱۳۷۵ش، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۹، جلد ۲.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۴۰۹ق، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- نجفی الاصفهانی، محمدحسن، ۱۳۷۴ش، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، نشر کتابچی، چ ۴.
- Administration of Justice Act. (1982).
- Brown, W. J. (1999). GCSE LAW (7th ed.). London, England: Sweet and Maxwell.
- Campbell Black, H. (1968). Black's Law Dictionary (4th ed.). St. Paul, MN: West Publishing Co.
- Cooke, J. (1999). Law Of Tort (4th ed.). Financial Times Management.
- Criminal Injuries Compensation Scheme. (2012).
- Elliott, C., & Quinn, F. (2009). Tort Law (7th ed.). London, England: Pearson Longman.
- Hepple, B. A. (1991). Tort: Cases And Materials (4th ed.). London, England: Butterworths.
- Hunt, M. (2000). A Level And As Level Law. London, England: Sweet & Maxwell, Limited.
- Offence against the Person Act (1861).
- Offence against the Person Act (1861).
- Road Traffic Act (1988).
- Royal Commission on Civil Liability and Compensation for Personal Injury (1978).
- The Criminal Injuries Compensation Scheme (2001).
- White v. Estate of Constantine (1989), Housecroft v. Burnett (1986).

Persian and Arabic Sources

- Abd al-Mun'im Badr, M. (1954). Principles of Roman Law. Cairo, Egypt: Dar al-Kutub al-Arabi.
- Abdollahi, I. (2010). Lessons from Criminal Philosophy (An Introduction to Non-Culpable Criminal Liability in Iranian and English Legal Systems) (Vol. 1). Tehran: Khorsandi Publication.
- Abdul Rahman, M. (n.d.). Dictionary of Jurisprudential Terms and Phrases. Cairo: Dar al-Fadhilah.

- Aghai Nia, H. (1387 SH). Special Criminal Law: Crimes against Persons (Felonies). Vol. 4. Tehran: Mizan Publishing.
- Ahanin Jegar, H. (1387 SH). Examination of Parental Immunity in Causing Physical Injuries to Children in Iranian and English Law (Master's thesis). Qom: Qom University Press.
- Ahmad Ibn Faris Ibn Zakaria (Ibn Faris), (1404 AH). Mu'jam Maqayis al-Lughah [Dictionary of Language]. Qom: Office of Islamic Promotion of the Seminary of Qom.
- Ahmad Idris, A. (1998). Diyat [Blood Money] (A. Feyz, Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ameli, Z. D. ibn A. (2000). Masalik al-Afham fi Sharh Sharayi al-Islam (Vol. 1). Qom: Islamic Encyclopedia Institute.
- Babai, I. (1389 SH). Compensation for Bodily Injuries in Iranian Civil Liability Law. Research in Law and Politics, 12(28), Tehran, Iran.
- Bariklou, A. (1382 SH). Compensation for Physical Injuries in Islamic Jurisprudence. Journal of Islamic Studies, (61), Mashhad, Iran.
- Bariklou, A. (1389). Civil Liability (2nd ed.). Tehran, Iran: Mizan Publishing.
- Childs, P. (1388 SH). Selected English Judicial Procedure in Criminal Matters (A. Vahidi Navai, Trans.). Vol. 1. Tehran: Mizan Publishing.
- Fiyumi, A. i. M. i. A. (1999). Al-Masbah al-Muneer. Beirut: Al-Maktabah al-Ilmiyyah.
- Gorji, A. (2002). Diyah (Vol. 1). Tehran: University of Tehran.
- Hassani, M. (n.d.). Civil Liability for Damages Resulting from Accidents. Retrieved from www.mohassani.persianlog.ir/1392/02/18
- Ibn Fares ibn Zakariya (Ibn Fares), A. A.-H. (1404 AH). Mu'jam Maqayis al-Lughah (Vols. 1, 3, and 4). Qom: Dar Al-Tablighat Islamic Propagation Office.
- Ibn Manzur, J. al-D. M. i. M. (1408 AH). Lisan al-Arab (Vols. 3 and 15). Beirut: Dar Al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution.
- Ibrahim Mustafa, A. A. Z., Hamid Abdul Qadir, M. A. N. (n.d.). Al-Mojam al-Wasit Dictionary [Intermediate Dictionary]. Cairo: Dar Al-Dawa Arabic Language Association.
- Jafari Langroudi, M. J. (1386 SH). Legal Terminology (Vol. 17). Tehran: Ganj Danesh Publishing.
- Jafari, A. i. A. (1422 AH). The Diyya for the Human Organs in the Abdomen. Al-Adl Journal, (10), Beirut, Lebanon.
- Johari, I. i. H. (1407 AH). Al-Sahah. Beirut: Dar Al-Alam for Publishers.
- Katuzian, N. (2011). Non-Contractual Obligations, Civil Liability (Vols. 4 and 10). Tehran: University of Tehran Publication.
- Khoei, S. A. (2017). Foundations of Takmila al-Minhaj (Vol. 2). Qom: Nahj al-Athar Publication.
- Mesbah Ardakani, S. F. al-D. (2012). General Anatomy. Shiraz: Shiraz University of Medical Sciences.
- Moein, M. (1997). Moein Dictionary (Vols. 2 and 9). Tehran: Amir Kabir Publication.
- Musavi Khomeini, S. R. (1987). Tahrir al-Wasilah (Vol. 5). Qom: Islamic Publication Office.
- Najafi Isfahani, M. H. (1995). Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi al-Islam (Vol. 4). Tehran: Ketabchi Publication.
- Pour Farhad, M. (1382 SH). Human Anatomy (Vol. 3). Tabriz, Iran: Ekhter Publishing.
- Qal'ehchi, M. R., & Ghanibi, H. S. (1989). Dictionary of Jurisprudential Terms (Vol. 2). N/A.

- Safaei, H., & Rahimi, H. (2011). Civil Liability (Non-Contractual Obligations) (Vol. 2). Tehran: SAMT Publication.
- Salehi, J. M. (1991). Rights of Victims in Traffic Accidents and the System of Compensation. Central Insurance of Iran Journal, 6(4), Tehran, Iran.
- Salehi, J. M. (1993). Rights of Victims and Third Party Insurance. Tehran: Tehran University Faculty of Management Publication.
- Shafiei Sarvestani, E., Satayesh, M. K., & Ghiyasi, J. (1997). The Law of Diyat and the Necessities of Time. Tehran: Publication of the Presidential Strategic Research Center.
- Snell, R. S. (2013). Clinical Anatomy (G. Hassanzadeh, Trans.). Tehran: Nashr Arjmandi Edition.
- Soltaninejad, H. (2001). Civil Liability for Moral Damage (Edition 1). Tehran: Noor Al-Thaqalin Publication.
- Zeraat, A. (2001). Islamic Penal Code in the current legal system. Tehran: Ghoqhnous.
- Zubaydi, M. I. A. R. (n.d.). Taj al-Arus. Cairo: Dar al-Hedayeh.

